

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره سی و نهم، تابستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

صفحات: ۲۳-۴۸

تحلیلی بر ارتقاء جایگاه ایران در خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند*

علی محمدیان*

گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

هانی عابدی*

گروه مطالعات منطقه ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

چکیده

از منظر واقع گرایانه چگونگی کسب، حفظ و افزایش قدرت همواره مهم ترین هدف کشورها در عرصه بین الملل است. صرف نظر از سایر ملاحظات داخلی، جمهوری اسلامی ایران از این قاعده کلی مستثنی نیست. قدرت در کنار اینکه یک هدف محسوب می شود می تواند به عنوان یک ابزار نیز مورد توجه دستگاه سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد. در این پژوهش با تأکید بر نظریه قدرت هوشمند سوزان ناسل، به این سوال پرداخته می شود که قدرت هوشمند چه نقشی در افزایش جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه دارد؟ و چگونه می توان از آن برای ارتقاء جایگاه ایران در منطقه بهره برد. فرضیه مقاله براین باور است با توجه به محتوای سند چشم انداز بیست ساله و اهداف کلانی که برای ایران در سال ۱۴۰۴ شمسعی پیش بینی شده است، کاربرد قدرت هوشمند به عنوان یک شیوه در تبدیل اهداف به نتایج دلخواه می تواند در شرایط بین المللی قرن بیست و یکم که اعمال قدرت با دیگران جایگزین اعمال قدرت بر دیگران شده است، برای افزایش منزلت و جایگاه ایران نیز کارآمد و موثر باشد. پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی نظری قدرت هوشمند و ابعاد آن، با روش توصیفی تحلیلی به تبیین جایگاه ایران در خاورمیانه می پردازد.

کلیدواژه ها: قدرت سخت، قدرت نرم، قدرت هوشمند، منطقه خاورمیانه، جایگاه ایران.

* نویسنده مسئول، ایمیل: amohamadian۲۲@yahoo.com

ایمیل: h.abedi@yahoo.com

مقدمه:

امروزه منطقه‌گرایی^۱ جایگاه مهمی در سیاست کشورها و در سیاست بین‌الملل دارد. تجربه نشان می‌دهد که هر قدرت در حال ظهور در جهان امروز به ناچار نگاه منطقه‌گرایی و حرکت به سوی اتحادها و ائتلاف‌ها را در سیاست خارجی خود اولویت داده است. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تثبیت دامنه‌های نفوذ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... در منطقه برای تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله و پیشگیری از تهدیدهای امنیتی آینده، نیازمند تمرکز بر منطقه‌گرایی و اتخاذ یک سیاست خارجی فعال است. مولفه‌های قدرت ملی ایران از جمله، برخورداری از یک دولت ملی قوی، موقعیت ژئوپلیتیک و عنصر ایدئولوژی به شکلی است که به ایران نقش ممتازی در مسائل منطقه‌ای می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۹). لذا تمرکز بر منطقه‌گرایی به ویژه منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی به نفع امنیت و منافع ملی ایران است و می‌تواند جایگاه و منزلت آینده این کشور را در منطقه در بلند مدت ارتقاء دهد. برای دسترسی به این هدف قدرت هوشمند می‌تواند در کنار سایر مولفه‌های قدرت بسیار مفید و حایز اهمیت دو چندان است.

از منظر عمومی هر موقع سخن از قدرت به میان می‌آید غالباً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت^۲) در ذهن مجسم می‌شود و آن را به عنوان رکن اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند. هرچند نیروی نظامی و عوامل عینی قدرت همیشه مورد توجه سیاستمداران و اندیشمندان حوزه قدرت بوده است اما به نظر می‌رسد امروزه نقش عواملی چون فناوری اطلاعات، همبستگی و انسجام مردم (قدرت نرم)^۳ اهمیت بیشتری یافته است به گونه‌ای که زیر ساخت‌های لازم را برای تولید امنیت ملی فراهم می‌سازد، زیرا ماهیت کم‌شدت داشته اما از گستره فراگیری برخوردار می‌باشد. به هر میزان که قدرت‌سازی، ماهیت کم‌شدتی داشته باشد طبیعی است که نتایج تأثیرگذاری فراگیری را به وجود خواهد آورد (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

اما این بدان معنی نیست که فقط باید از جنبه‌های نرم افزاری قدرت در قرن بیست و یکم استفاده کرد چرا که صرف قدرت نرم حلال همه مشکلات نیست و مواردی پیش می‌آید که برای امنیت ملی کشورها تهدیدات گسترده به وجود می‌آورد و بنابراین استفاده از قدرت سخت را الزام آور می‌سازد. لذا بازیگران عرصه روابط بین‌الملل برای ارتقاء جایگاه خود و نقش تعیین‌کنندگی‌شان در مناسبات و تعاملات بین‌المللی می‌توانند از هر دو جنبه قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند)^۴ به طور متوازن و با توجه به شرایط بهره‌گیری نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بازیگر تأثیرگذار

^۱ Regionalism

^۲ Hard Power

^۳ Soft Power

^۴ Smart Power

در منطقه چنانچه خواهان ارتقاء جایگاه خود در منطقه به عنوان قدرت اول منطقه است باید با در نظر گرفتن تحولات پیچیده نظام بین‌الملل و همچنین تغییر منابع قدرت، از راهبرد قدرت هوشمند استفاده نماید.

به نظر می‌رسد طرح مفهوم قدرت هوشمند که از سوی «سوزان ناسل»^۱ مطرح شده است برای ایران نیز جدای از اقتضائات منطقه‌ای متناسب با شرایط بین‌المللی نیز باشد. چراکه به‌واسطه آن ایران می‌تواند جامعه خود را در قالب جدیدی در دنیای خارج تعریف نماید. توجه به مفهوم قدرت هوشمند می‌تواند هم در راستای کسب ثروت و قدرت ملی کشور مفید واقع شود و هم اینکه ایران می‌تواند به عنوان روش جدید و متفاوت جامعه خود را در مقابل دنیای خارج معرفی نماید. با انجام این پژوهش، محقق معتقد است که استفاده از قدرت هوشمند به‌عنوان یک راهبرد سیاست‌خارجی می‌تواند به ارتقاء جایگاه ایران در خاورمیانه کمک کند. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که چگونه می‌توان از راهبرد قدرت هوشمند در ارتقاء جایگاه ایران در خاورمیانه بهره برد؟ در پاسخ ابتدایی و فرضی می‌توان اینگونه مطرح کرد که یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناشی از موقعیت ذاتی این کشور است؛ دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف است. راهبرد قدرت هوشمند می‌تواند با تغییر سیاست‌های ایران در منطقه و سوق دادن این سیاست‌ها به سمت مسالمت آمیز، ایران را در دستیابی به این جایگاه کمک نماید. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی است، تحلیل داده‌های پژوهش به صورت کیفی انجام خواهد شد و نیازی به تحلیل آماری و کمی نخواهد بود. تحلیل‌های ارائه شده نیز در این پژوهش در راستای آینده‌نگری و نگاه به آینده جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه انجام گرفته است.

چارچوب نظری:

فهم قدرت هوشمند در جهانی که از منظر پیامد و نتایج بسیار پیچیده و محتمل تغییرات سریع و شتابنده است، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. پارادایم قدرت هوشمند در چالش با رهیافت واقع‌گرایی مطرح شده و همزمان دیدگاه بدیل قدرتی ارائه داده است که بیشتر با قدرت نرم نزدیکی دارد. سابقه مطرح شدن قدرت هوشمند به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد که «سوزان نوسل» تحت این عنوان در نشریه سیاست‌خارجی منتشر کرد (Nossel, ۲۰۱۴:۳). بعد‌ها جوزف نای قدرت هوشمند را به عنوان دیدگاهی در روابط بین‌الملل تعریف کرد که می‌تواند «قدرت سخت و نرم» را با یکدیگر ترکیب کند و برآیند آن دو را به صورت یک راهبرد پیروزی‌آور درآورد (Nye, ۲۰۰۶:۱۱). قدرت هوشمند

^۱ Sozan Nossel

استفاده راهبردی و همزمان از دیپلماسی، ترغیب کردن، ظرفیت سازی و فرا فکنی قدرت و نفوذ است به صورتی که کم هزینه و از مشروعیت سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد. در واقع قدرت هوشمند نیروی نظامی همراه با همه اشکال دیپلماسی را در بر می گیرد. قدرت هوشمند بیش از آنکه منبع جدید قدرت باشد، تلفیقی از قدرت سخت و نرم است که مدیریت نوین اعمال قدرت را به سامان می‌رساند. قدرت هوشمند را می توان قدرت «موقعیت محور»^۱ نامید. بدین ترتیب واحدهای سیاسی می توانند متناسب با دو عنصر زمان و مکان راهبردهای متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند. لذا با پردازش و عرضه این نوع جدید قدرت، دولت ها درصدد هستند تا به جای ترس، خوشبینی را صادر کنند و به جای یکجانبه گرایی، تکررگرایی را دنبال کنند و به جای مشارکت گریزی، اجماع پذیر شوند و به جای عملگرایی منفعت محور، عملگرایی ارزش مداری را به ظاهر مدیریت کنند. به عبارت دیگر آنها در صددند تا در چارچوب فرمول منافع و منابع، با کمترین هزینه بیشترین منافع را به دست آورند. ترمیم چهره مخدوش یک کشور از اهداف این راهبرد است که می کوشد با استفاده از قدرت هوشمند، اعمال قدرت نرم و سخت خود را حقانی نشان دهند.

هوشمندی دارای مولفه هایی است که اعمال آنها در مدیریت منابع قدرت تضمین کننده بهره گیری هوشمندانه از منابع است. نای تنها مولفه مورد نیاز را هوشیاری نسبت به محیط می داند. او این مولفه را اینگونه تعریف می کند: **هوشیاری نسبت به محیط**: توانایی درک محیط در حال تغییر و سرمایه گذاری در روند های موجود. گرچه این ادبیات اولین بار در مورد شرکتهای فعال در بازارهای به شدت متغیر به وجود آمد، اما واضح است که این مهارت می تواند به یک رهبر کمک کند تا توزیع منابع قدرت خود را متناسب با اهداف مورد نظر و راهبر خود را همسو با جریان رویدادها شکل دهد و نه برخلاف آن. این امر نیازمند توانایی تشخیص روند ها در محیطی بسیار پیچیده و فاقد قطعیت است. این توانایی به یک رهبر اجازه می دهد تا روش خود را با شرایط پیش رو و نیازهای پیروان خود هماهنگ نماید (Nye, 2006:9).

بدین ترتیب قدرت هوشمند توانایی ترکیب منابع قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به استراتژی های موثر و موفق می باشد (Wilson, 2008:119). قدرت هوشمند در قرن کنونی صرفاً به افزایش قدرت و حتی به راههایی برای حفظ هژمونی و قدرت موجود اشاره نمی کند بلکه بیشتر درباره یافتن راههایی است که از طریق آن بتوان منابع موجود در کشور را به استراتژی های موفقیت آمیز در شرایط جدید پراکندگی و تقسیم قدرت برای افزایش امنیت در مقابل بحران ها هدایت نماید. به عبارت دیگر قدرت هوشمند نه سخت است نه نرم، بلکه کاربرد ماهرانه هردوی آنهاست. قدرت هوشمند یعنی توسعه یک راهبرد عملگراییانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف. این رویکرد بر

^۱ Axis position

لزوم وجود قدرت نظامی قوی پافشاری می‌کند و در عین حال بر سرمایه گذاری در زمینه ایجاد ائتلاف‌ها، مشارکت‌ها و نهادها در همه سطوح تأکید دارد. توجه به خیر جهانی در این قدرت جایگاه اساسی دارد زیرا این امر به کشورهای به کارگیرنده این قدرت کمک می‌کند تا قدرت عظیم خود را با منافع و ارزش‌های دیگر جهانیان همسو کند (قربانی شیخ نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

با درنظر گرفتن معیارهای قدرت هوشمند به نظر می‌رسد تلفیقی از قدرت نرم و سخت به تدریج ایران را به یک قدرت منطقه‌ای بلامنازع و یک راهبر تمدنی قدرتمند و با نفوذ و تأثیر گذار در منطقه تبدیل می‌کند. در واقع ایران باید شرایط منطقه و پراکندگی قدرت را به خوبی در روابط بین الملل و نظام منطقه‌ای درک کرده و سعی نماید به طور متعادل و با توجه به شرایط از ابزارهای قدرت نرم و سخت استفاده نماید. همانگونه که در سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ نیز به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی، انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام با تعامل سازنده در روابط بین الملل خاطر نشان شده است.

منابع قدرت سخت ایران

۱. شرایط جغرافیایی:

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست‌خارجی آن پیوند خورده است. ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی بقدری اهمیت داشته که به صورت یک‌موضوع مهم در مطالعات ژئوپلیتیکی درآمده است. موقعیت جغرافیایی با آب هوا نیز پیوند نزدیکی دارد به طوری که بر قدرت ملی یک کشور نیز تأثیر می‌گذارد. موقعیت چه از نظر ریاضی که بر اساس طول و عرض جغرافیایی و چه از نظر نسبی که از روی نزدیکی یا دوری از دریا، مجاورت با یک دولت پر قدرت و سایر همسایگان، مجاورت با کانال یا تنگه بین المللی راهبردی و ... مشخص می‌شود، تأثیر بسزایی در قدرت ملی کشورها دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

کشور ایران به علت قرار گرفتن در کنار تنگه‌ها و آبراهه‌های مهم بین المللی و در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب (نفت و گاز) از اهمیت زیادی برخوردار است. ایران از طرف شمال در دریای خزر و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است. به طور کلی ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظریات ژئوپلیتیک و راهبردهای نظامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به طور مثال جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیکی مکنیندر در سال ۱۹۰۴ این بود که حاشیه جنوب دریای خزر ناحیه ترکمن صحرا تا بخش شمالی خراسان و در غرب دریای خزر نیز حاشیه کوچکی از استان گیلان، حوالی رشت تا بندر انزلی و آستارا درون هارتلند قرار می‌گرفت و بقیه کشور در هلال داخلی یا حاشیه‌ای قرار گرفته بود. در نظریه‌اسپایکمن هم

ایران در سرزمین حاشیه ای نظریه او بود. در دکترین ترومن ایران به منزله کمربند محاصره نیم دایره کمونیسیم توسط کشورهای غیر کمونیسیم بود (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ۷۱). بدین ترتیب کشور ایران به لحاظ برخورداری از مولفه های جغرافیایی قدرت آفرین و موثر قدرت ملی، جایگاه ویژه ای دارد و بخش عمده ای از قدرت ملی ایران ناشی از جغرافیاست. پتانسیل های جغرافیایی قدرت ملی ایران به طور بالقوه شرایط لازم برای قدرت منطقه ای و حتی جهانی شدن ایران را فراهم کرده است که با مدیریت مناسب و استفاده از نیروی انسانی با کیفیت می توان این پتانسیل ها را بالفعل کرد.

۲. توان اقتصادی:

جمهوری اسلامی ایران با قرارگیری در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز راهبردی برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است. به دلیل برخورداری از پتانسیل هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه راهبردی هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است و با استفاده از این پارامترها می تواند به قدرت برتر منطقه ای تبدیل شود.

از سوی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری های ژئوپلیتیک، یعنی قرارگیری در چهار راه بین المللی، حائز اهمیت است. این چهار راه آفریقا را به آسیا و آسیا را به اروپا متصل می کند. افزون بر این کشور جمهوری اسلامی ایران در کنار آب های آزاد دارای مرز مشترک است. ایران دارای موقعیتی است که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به جهان مرتبط می کند. لذا قادر است در مقولاتی مانند سوآپ یا توزیع سوخت تولیدکنندگان آسیای مرکزی برای کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان نقش مهمی را به عهده بگیرد (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۵). با تحولات صورت گرفته در رویکرهای ژئوپلیتیک و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می کند. به طوری که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می کند.

۳. قدرت نظامی:

نیروهای نظامی و قدرت نظامی در یک کشور بازوان قدرتمند دولت ها بوده و در پشتیبانی از سیاست های ملی نقش حیاتی ایفاء می کنند. در این میان هرچند تحولات دهه های اخیر از اهمیت سابق نیروی نظامی کاسته است، ولی هنوز آشکارترین بعد قدرت ملی است. قدرت نظامی به دلیل آنکه محسوس تر، عملی تر و آشکارتر از سایر ابعاد قدرت است، اهمیتی بسزا و چشمگیر دارد. یعنی هنوز هم در تعیین امنیت ملی یک کشور، بویژه امنیت خارجی، مقابله با تهدیدات بیگانگان و... عامل

اساسی و تعیین کننده محسوب می شود.

قدرت نظامی بویژه در زمانها و موقعیتهای حساس نظیر بحران، جنگ، شورش و... نقش بارزتری را بازی می کند و سایر ابعاد قدرت را به خدمت خود می گیرد. از این رو بسیاری از تحلیل گران و معتقدند توانایی نظامی از معیارهای مهم قدرت ملی کشورهاست. زیرا اغلب کشورها در محیطی قرار دارند که تهدیدات خارجی و داخلی نسبت به امنیت آنها به طور عادی و همواره وجود دارد. لذا اثر بخشی نیروهای نظامی آنها، برآورد نهایی قدرت آنها محسوب می گردد. توانایی نظامی به کشورها اجازه می دهد تا در برابر دشمنان خارجی و داخلی از خود مراقبت نمایند. این توانایی در عین حال کشورها را قادر می سازد تا منافع خود را در صحنه آنارشیک بین الملل، پیگیری نمایند. قدرت نظامی توان کشورها را به شیوه های گوناگون در داخل و خارج از مرزهایشان به نمایش گذاشته و آن را تحقق می بخشد. توان نظامی یکی از ابزارهایی است که به واسطه آن قدرت سیاسی ایجاد شده و استمرار می یابد (شیرازی و مرادیان، ۱۳۸۹: ۱۹۱). به همین دلیل نتیجه نهایی قدرت ملی در حالت ایده آل، توانایی نیروهای نظامی در پیگیری و اجرای موفقیت آمیز طیفی از عملیات نظامی علیه دشمنان است.

تقریباً از دهه ۱۹۹۰ میلادی و پس از فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی دوران جنگ سرد تاکنون، تنش و منازعه میان دولتهای خاورمیانه وجود داشته است. بازیگران موثر این منطقه درصدد کسب، حفظ و افزایش قدرت به نفع خود و به زیان بازیگران رقیب هستند. به بیان دیگر محیط حاکم بر خاورمیانه به شدت امنیتی بوده و دولتهای منطقه با ترس امنیتی از یکدیگر در چنین فضایی بسر میبرند. این وضعیت تقریباً توجه به توسعه توانمندیهای نظامی را برای هریک این کشورها اجتناب ناپذیر نموده است. ناشی از حاکمیت فضای امنیتی در محیط پیرامون جمهوری اسلامی ایران و همین طور تخصصات نظامی (جنگ عراق علیه ایران)، سیاسی و ایدئولوژیکی میان ایران با بسیاری از دولتهای عرب منطقه، توجه به قدرت نظامی و ابعاد مختلف آن در دستور کار سیاستگذاران ایران قرار گرفت. مقایسه میان وضعیت و توانمندیهای نظامی ایران در قیل و بعد از انقلاب اسلامی موید چنین دیدگاهی است. در حیطه نظامی در حالی که قبل از انقلاب، تقریباً تمام تسلیحات نظامی کشور از خارج وارد می شد، هم اکنون نه تنها این نسبت تقریباً معکوس شده بلکه ایران در زمره یکی از تولید کنندگان درجه دوم تسلیحات نظامی در جهان قرار گرفته و تولیدات خود را به بیش از ۳۷ کشور جهان صادر می کند.

از نظر صنایع دفاعی، آنچه قبل از انقلاب تولید می شد، صرفاً سلاح ها و مهمات سبک بود که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تولید فشنگ های سبک و نیمه سنگین تیربار ۳، اسلحه ۳، و فشنگ سلاح های کمری محدود می شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط متحول شد و تحولات چشمگیری، خصوصاً در مقطع جنگ تحمیلی پدید آمد. جنگ، واقعیت هایی را تحمیل می

کرد که نتیجه آن شکل گیری صنایع دفاعی بود. به عبارتی دیگر جنگ و تحریم ها و... فشارهای اقتصادی فراوانی به ایران تحمیل کرد و ایران توانست با مهندسی معکوس به خودباوری بیشتری دست یابد و توانایی های نظامی خود را افزایش دهد. هم اکنون جمهوری اسلامی ایران از بزرگترین توان و قدرت بازدارندگی موشکی منطقه برخوردار است که از یک طرف بومی و از سوی دیگر تحت اختیار نیروهای داخلی قرار دارد و با هزینه اندکی فراهم شده است (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

بر اساس آمار جهانی مربوط به توان نظامی کشورها، جمهوری اسلامی ایران توانسته است با توجه به پیشرفت های چشمگیر در گستره و کیفیت تجهیزات و زیرساخت های نظامی و همچنین تأسیسات و تعداد کارکنان رتبه ۲۳ جهانی را در بین ۱۲۶ کشور جهان کسب نماید. در سطح منطقه ای و در منطقه خاورمیانه نیز ایران بعد از اسرائیل، ترکیه و پاکستان چهارمین قدرت برتر نظامی منطقه محسوب می شود. بدین ترتیب به جرأت می توان گفت جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحریم ها و فشار های اقتصادی، توانسته است موقعیت و جایگاه مناسبی را در بین قدرت های بزرگ جهانی در نظام بین الملل آنارشیکی کسب نماید (www.globalfirepower.com).^۲

۴. شرایط علمی و فناوری:

توسعه پایدار و متوازن یک کشور، مشروط به توسعه علم و فناوری است. هیچ کشوری نمی تواند در آینده نه چندان دور امیدوار باشد که در نظام آتی جهانی نقش اساسی داشته باشد، اما چاره ای برای ارتقاء و به حد مطلوب رساندن سطح علمی و فنی خود نیاندیشد (ناصحنی، ۱۳۹۲: ۶۹). در این مسیر اولین گام برای وصول به مقصد، شناخت کافی و دقیق از موقعیت خویش است. در واقع هر کشوری باید موقعیت علمی خود را در سطح بین المللی معین نماید و سپس با توجه به مزیت های نسبی خود، به سمت اهداف تعیین شده حرکت نماید.

ایران در سال های اخیر در بین کشورهای اسلامی در حوزه فناوری نانو مقام نخست و نیز در بین کشورهای خاورمیانه مقام اول را به خود اختصاص داده است. به زبان دیگر، ایران از سال ۲۰۰۷ به این سو، در بین کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه جایگاه نخست تولید علم در حوزه فناوری نانو را در دست دارد. همچنین در یک دهه گذشته سهم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از همه تولید

^۱. تمامی آمار و ارقام برگرفته از سایت « گلوبال فایر پاور» می باشد. این سایت تحلیل های مهمی را از قدرت های نظامی جهان ارائه می دهد. بیش از ۱۰۰ قدرت نظامی جهان در این رتبه بندی لحاظ شده اند که طیف وسیعی از آنها با معیارهای همسان با هم مقایسه شده اند.

^۲. تمامی آمار و ارقام برگرفته از سایت « گلوبال فایر پاور» می باشد. این سایت تحلیل های مهمی را از قدرت های نظامی جهان ارائه می دهد. بیش از ۱۰۰ قدرت نظامی جهان در این رتبه بندی لحاظ شده اند که طیف وسیعی از آنها با معیارهای همسان با هم مقایسه شده اند.

علم کشور ۵۸ درصد، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۳۱/۵ درصد و دانشگاه آزاد اسلامی ۱۰/۵ درصد بوده است. ضمن آن که در چند سال اخیر با تلاش پژوهشگران کشورمان جمهوری اسلامی ایران به باشگاه کشورهای دارای فناوری فضایی و نیز هشت کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره پیوسته است. به کارگیری فناوری‌های فضایی در حوزه‌هایی چون مخابرات، کشاورزی، هواشناسی، اکتشافات معدنی، نجوم و حفاظت محیط زیست توانایی بشر را در شناسایی و درک او از محیط اطراف دوچندان می‌کند اما با وجود قابلیت‌های فناوری‌های فضایی در جوامع مختلف، همچنان این فناوری‌ها در انحصار چند کشور محدود بود که اکنون با تلاش نخبگان دانشگاهی ایران به باشگاه کشورهای دارای فناوری فضایی رسیده است. همچنین دانشمندان ایرانی مقیم خارج به دستاوردهای علمی و فناوری بسیاری دست یافتند و در اقصی نقاط دنیا مایه مباهات هر ایرانی شدند. آن‌ها موفق شدند کیمیاگری میکروبی کنند، رایانه‌ای به اندازه یک دکمه بسازند و از شیر گاو پادتن ایدز تولید کنند و... که این دستاوردهای ایرانیان در سراسر دنیا تنها گوشه‌ای از دستاوردهای ایرانیان در جهان است. براساس اعلام شورای اطلاعات ملی آمریکا در گزارش چشم‌انداز بیست ساله جهان، ایران را به دلیل پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز علمی، یکی از ۱۰ کشور تأثیرگذار جهان تا دو دهه آینده خواهد بود (www.Dolat.ir).

منابع قدرت نرم ایران

۱. گفتمان «انقلاب اسلامی»:

انقلاب اسلامی ایران که جوشش نوینی از اعتقاد زلال اسلام ناب محمدی (ص) بود، توانست گفتمان جدیدی را وارد عرصه روابط بین‌الملل بنماید و بدون اتکاء به ابرقدرت‌های موجود و با اتکاء به اسلام ناب به پیروزی برسد. این یک واقعیت است که به مجرد آنکه یک نهضت اجتماعی اوج گرفت، جاذبه پیدا کرد و موجودیتش تثبیت شد و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار داد، سایر مکاتب انحرافی برای رخنه در آن و نابود کردنش از درون، مبادرت به تخریب و انحراف و بی‌اثر سازی آن می‌کنند (علیخانی، ۱۳۸۷: ۸۴).

شکل‌گیری انقلاب از نوع «اسلامی» برای اولین بار در میان کشورهای اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران به وقوع پیوست. این تحول سیاسی و اجتماعی حامل پیام و تأثیرگذاری بر کشورهای اسلامی منطقه و در مرحله بعد برای سایر کشورهای جهان بوده است. این وضعیت قدرت‌های غربی و برخی دولتهای منطقه‌ای (عراق) را وادار نمود در مقابل ایران بایستند و با استفاده از ابزارها و حرب‌های گوناگون در صدد ساقط کردن آن برآیند. با این وجود تحولات پس از آن نشان می‌دهد که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران نه تنها کاهش پیدا نکرده است بلکه باعث شکل‌گیری حرکت

های مردمی زیادی در منطقه و جهان شد. حزب الله لبنان، حماس و پایداری دولت سوریه در مقابل غرب و اسرائیل، شکل گیری دولت شیعه در عراق جدید و همچنین دولتی بر مبنای قوانین اسلامی در افغانستان جدید و امکان ادامه چنین وضعیتی در بحرین و یمن و افزایش توانمندیهای سایر گروهها و جنبش های شیعه ای در کشورهای اسلامی می تواند تا حدود زیادی متاثر از انقلاب اسلامی ایران باشد.

مهم ترین بار ارزشی و هنجاری ناشی از انقلاب اسلامی برجسته نمودن «اسلام» در برابر سایر ارزشهای رایج در منطقه بود. تعارضات ناشی از تسلط فرهنگ و ارزشهای غیر اسلامی در منطقه میان دولت و ملت‌های منطقه اصطحاک‌کامی اساسی بیار آورده بود که در بطن خود بحرانهای متعدد سیاسی، هویتی و مشروعیت ساختاری را حاکم نمود. بنابراین وقوع انقلاب اسلامی در ایران آلترناتیو جدیدی در میان منطقه گسترش داد که تاکنون ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی آن رو به گسترش است.

پیامد دیگر انقلاب اسلامی کمک به شکل گیری نوعی جدیدی از «فرهنگ و هویت» سیاسی و اجتماعی در میان ملت‌های منطقه است. این هویت برگرفته از عنصر مهم انقلاب یعنی «اسلام» و با استفاده از عناصر دینی، تمدنی، تاریخی و بومی منطقه در صدد برآمد تا عناصر ناهمگون فرهنگی موجود در میان کشورهای اسلامی را طرد نماید. فرهنگ از جمله واژگانی است که به دلیل تنوع و تکثر در نگرش به آن دارای تعاریف گوناگون و متنوعی است. فرهنگ مجموعه سازمان یافته ای از ارزش ها، هنجارها و قواعد است. فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش های ایدئولوژی، نقش آن به عنوان پارادایم جایگزین اهمیت یافته است (توحید فام، ۱۳۸۲: ۴۵).

فرهنگ از ایدئولوژی هم فراتر می رود و به اساس هویت افراد جامعه مربوط می شود. اساساً از فرهنگ در قاموس و عرف سیاسیت‌بین‌الملل به عنوان قدرت نرم یاد می شود. قدرت نرم رفتار را توأم با جذابیت قابل رؤیت اما غیر محسوس می کند و بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک‌بین ارزش‌ها و همه خواسته‌ها سود می جوید. قدرت نرم فرهنگی یکی از مهمترین ابزارهای جمهوری اسلامی ایران است. به وجود آمدن یک انقلاب با ماهیت ارزشی و دینی؛ انقلابی که در ایران صورت گرفت از یک ماهیت و بن مایه دینی برخوردار است که می‌تواند مردم را در برابر جنگ نرم غربی‌ها مقاوم کند و با ترویج ارزش ها و مفاهیمی چون ایثار، شهادت، فداکاری و از خود گذشتگی از توطئه های دشمنان جلوگیری به عمل آورد.

قدرت نرم فرهنگی ایران توان مقابله با سلطه فرهنگی و جنگ نرم بیگانگان را داراست. فرهنگ ایران اسلامی ریشه در تاریخ کهن این مرزوبوم دارد. ایران همواره قدرت فرهنگی تمدنی و در مقاطعی قدرت اقتصادی بوده است. حتی در زمانی که از نظر نظامی در اوج قرار داشته و از طریق آن به تغییر مناسبات و روابط بین الملل توانا گشته است، از تأثیر نهادن بر فرهنگ دیگر ملت ها غافل نمانده

است (پور احمدی، ۱۳۸۸: ۴۰۴). قدرت نرم فرهنگی ایران با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ توانست از حالت تدافعی خارج و حالت تهاجمی به خود بگیرد و دشمنان را در استفاده از این ابزار قدرت در موضع انفعالی قرار دهد. قدرتی که برگرفته از فرهنگ اصیل ایرانی، مهدویت و عاشورا باشد می تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای اتحاد قومیت‌ها و طوایف گوناگون تبدیل شود و در برابر فرهنگ لیبرال دموکراسی ایستادگی نماید. در ادامه به مهمترین منابع قدرت نرم ایران اشاره خواهد شد.

۲. استکبار ستیزی:

تحولات تاریخی و سیاسی و اجتماعی خاورمیانه بیانگر حضور، تسلط و نقش پررنگ دولتهای قدرتمند و استعماری اروپایی و غربی است. شکل‌گیری دولتهای جدید خاورمیانه عربی از بستر پیمان سایکس پیکو^۱ که در نهم ماه مه ۱۹۱۶ میان سه قدرت استعماری روسیه تزاری، فرانسه و بریتانیا به امضاء رسید و نتایج حاصل از آن مهم‌ترین سرفصلهای تحولات بعدی خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی محسوب می‌شود. این سه کشور استعماری در نیمه اول قرن بیستم و قدرتهای جهانی شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم تقریباً تمامی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه خاورمیانه را در دست داشتند. این وضعیت جریانها و جنبشهای ضد استکباری و ضد استعماری را در بطن کشورهای منطقه شکل داد که از دل آن گروههای ملی استقلال خواه، جنبش‌های اسلامی ضد غربی و ضد استعماری شکل گرفت. با این وجود قدرتمندی دولتهای استعماری و حاکمیت دولتهای وابسته به آنان، موجب تداوم این روند و عدم توفیق نیروهای مخالف در طول قرن بیستم میلادی شد.

«استکبارستیزی» واقعیتی بود که عناصر لازم برای شکل‌گیری آن در منطقه وجود داشت و انقلاب اسلامی توانست در راستای تحکیم هویت‌های بنیادین خود از آن بهره‌برد. ضمن اینکه وابستگی دولت پهلوی به ایالات متحده عملاً چنین جهت‌گیری را برای انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی توجیه نمود. ناشی از این واقعیت جهت‌گیری کلان و اولیه انقلاب اسلامی ضدیت با دولتهای استعماری و استکباری غرب و شرق بنیان نهاده شد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به «نهضت ضد استبدادی مشروطه»، و «نهضت ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت»، به عنوان حلقه‌های اولیه جریانهای ضد استکباری اشاره شده است. در فصل دهم همین قانون با عنوان سیاست خارجی در ماده ۱۵۲ اشعار می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه جوئی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است» (منصور، ۱۳۷۶: ۸۱).

^۱ Sykes-Picot Agreement

سایر مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت اجراء و حرکت به سمت مبارزه با استعمار و برانگیختن ملت‌های منطقه علیه دولتهای وابسته شان را هدف گذاری نمود. به نحوی که در مقدمه قانون اساسی هدف انقلاب اسلامی را شامل «حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبری»، «زمینه تداوم انقلاب در داخل و خارج کشور»، «گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی»، «تشکیل امت واحد جهانی» و نهایتاً «استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان» قرار می‌دهد. وجود چنین اهداف و ملاحظات ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از حالت انفعالی درآورده و ماهیتی انقلابی و تهاجمی بدان بخشیده است.

پایداری جمهوری اسلامی ایران در جهت استکبارستیزی به عنوان یک قدرت نرم در میان جوامع منطقه بدل شده است. عدم توفیق نیروهای مخالف منطقه ای و قدرتهای فرامنطقه ای در جهت شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران موجب تقویت ماهیت استکبارستیزی ایران در برابر آنان شد. اقدامات دولتهای استعماری غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا در ضدیت با جمهوری اسلامی ایران شامل دوران جنگ عراق علیه ایران و کمک و پشتیبانی همه جانبه از دولتهای وابسته عربی و اسرائیل، عملاً ماهیت استکبارستیزی ایران را قوی تر و برجسته نمود و ادامه این روند دولتهای عرب منطقه خاورمیانه را بیشتر از قبل به قدرتهای استعماری نزدیک تر نمود. این وضعیت عملاً دولتهای عربی را با تعارض بر سر انتخاب منافع ملی، دینی و منطقه ای خود و کشورهای اسلامی از یک طرف و از طرفی دیگر نزدیکی و وابستگی بیشتر به قدرتهای غربی که می‌توانست حافظ تداوم حاکمیت آنان باشد قرار داد.

۳. اسلام: وعده پیروزی

برای پیروان اسلام ناب محمدی و به ویژه شیعیان، دین مبین اسلام یکی از ابزارها و منابع قدرت برای مقابله با ستمکاران و طاغوتیان زمان است. اعتقاد و ایمان به نصرت خدای متعال، اعتقاد به پیروزی مستضعفان و اعتقاد به برحق بودن مکتب از مهمترین ابزارهاست. قدرت نرم و فرهنگی ایران اسلامی علاوه بر باورپذیری پیروزی در نزد ملت اسلامی این اعتقاد را در بین بسیاری از ملت‌های ستمدیده جهان پدید آورده که می‌توان با کمک الهی بر قدرت‌های زورگو پیروز شد. سیاستمداران ایران اسلامی و همچنین مسئولان و نهادهای فرهنگی با تأکید و تکیه بر این بعد از قدرت نرم می‌توانند روحیه شکست‌ناپذیری و خودباوری را در بین مردم زنده نمایند.

۴. آموزه تشیع: جهاد و شهادت

فرهنگ جهاد مجموعه دستاوردهای نظری و فکری است که قابلیت اکتساب داشته‌باشد و بر اساس موازین الهی و از طریق همسان کردن رفتارها یا ارزش‌ها و هنجارها در جامعه موجب انسجام یک

جامعه ولایی شود و نیز به سبب نوع نگرش، مسیر بهتری از کمال و حرکت به سوی قرب الهی را برای افراد مهیا سازد؛ که همین امر جامعه ولایی را از جوامع دیگر متمایز می سازد. به تعبیر دیگر فرهنگ جهادی ارزش هایی را مطرح و نهادینه می سازد که در آن افراد جامعه به منظور تحقق خواسته ها و اهداف الهی خود را بر اساس قراردادهای الهی حاضر به جانفشانی و حضور در صحنه هایی می شود که شایسته است.

پاسداشت این فرهنگ به عنوان یکی از ارزش های انقلاب از بدیهی ترین عواملی است که سبب می شود انقلاب همچنان با صلابت و استقامت به راه خود ادامه داده و در راه حفظ و اعتلای اسلام بکوشد و مانع تحقق اهداف دشمنان شود. این تحول، چنانچه در برنامه ریزی و سیاست گذاری های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نظام لحاظ شود، موجب استحکام و تکامل روزافزون جامعه و حرکت به سمت تعالی و قسط خواهد بود و ریشه های وابستگی دشمنان را قطع خواهد کرد (اردستانی، ۱۳۷۳: ۱۳۹). انقلاب ایران انگیزه قدرتمندی برای احیای اسلام پدید آورد. در این انقلاب، یک جنبش اسلامی مردمی حکومت سکولار قدرتمندی را سرنگون کرده بود؛ چیزی که غیر ممکن می نمود عملی شده بود و زبان جهاد و شهادت رایج شده بود (بلیس، اسمیت و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۰۲۵). بدین ترتیب تأکید و توجه بر فرهنگ شهادت و کربلا و اعتقاد به ظهور منجی و گسترش عدالت در سراسر گیتی از ابزارهای توانمند جمهوری اسلامی ایران و همچنین ابزاری بازدارنده در برابر تهاجم احتمالی دشمن است.

۵. ایران: نمادهای ملی و روحیه ملی

از دیگر ابزارهای نرم ایران برای بهره گیری از قدرت هوشمند، تقویت جامعه مدنی، ارتقای نمادهای ملی توسط مسئولان، پاسداشت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی، تقویت نمادهای ملی مانند ۲۲ بهمن، ۱۲ فروردین، سوم خرداد و نمادهای مذهبی مانند اعیاد و مراسم عزاداری های ائمه معصومین (علیه السلام) می باشد. این منابع قدرت از دیگر ابزارهای قدرت ایران است که می تواند مهمترین منبع برای استفاده از قدرت هوشمند ایرانی باشد. ایران پس از انقلاب اسلامی، با تکیه بر قدرت نرم باورها و اعتقادات مذهبی خود، سیاست تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای را تعقیب کرده است. مفهوم «امت اسلامی» مفهومی بود که جمهوری اسلامی ایران به ادبیات سیاسی وارد کرد. آنچه که دشمنان ایران را نگران می کند، نه قدرت نظامی ایران و نه قدرت اقتصادی، بلکه نگرانی آنها قدرتی نرم است که همان الهام بخشی و ارائه یک الگوی جدید برای اداره جامعه و حکومت است.

بر این مبنا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سه موضوع یا سه حق، الهام بخش و منبع قدرت بوده که بر اساس این حقوق، ایران در خاورمیانه و جهان اسلام نماد عزت خواهد بود. این سه

حق عبارتند از: حق استقلال، حق اعمال حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خود که همه مظاهر حفظ عزت می باشند. انقلاب اسلامی نشان داد نه تنها جمعیت، انرژی، اقتصاد و... منابع قدرت نیستند و قدرت های غیر ملموس نظیر دین، اعتقادات، آموزش و پرورش و ارتباطات منابع بزرگی از قدرت را تشکیل می دهند و در نتیجه قدرت جنبه های سخت افزاری و نرم افزاری نیز دارد، به طوری که قدرت سخت با تولید قدرت نرم با توزیع در ارتباط اند (قلخانبا، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

جمهوری اسلامی ایران با بهره مندی از قدرت نرم، به جهان اسلام هویتی تازه بخشیده و با عرضه دکترین مردم سالاری دینی به کشورهای منطقه ای، گرایش به اسلام در جهان به ویژه خاورمیانه را شدت بخشیده است. در پرتو قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که عاملی اساسی در ایجاد تنش زدایی و تعامل گرایی منطقه ای و بین المللی است، پرچم جمهوری مبارزات اعتقادی و رهایی بخش حول محور اسلام به اهتزاز درمی آید و زمینه های مناسبی برای استقلال عمل کشورهای جهان در قبال آمریکا و ارتقاء نقش جنبش های آزادیبخش به عنوان بازیگران نوین در نظام بین المللی ایجاد نموده است (خسروی و میراشرفی، ۱۳۹۳: ۱۸). از دیگر اولویت های جمهوری اسلامی ایران که در قالب قدرت نرم معنا یافته است مبارزه همه جانبه با تروریسم و استعمار نو و نظام سلطه جو کنونی است که در قالب همکاری های متعدد از جمله با کشورهای مستقل و غیر متعهد به ویژه کشورهای اسلامی است که این اولویت ها از طریق تقویت چند جانبه گرایی در مقابل یک جانبه گرایی حاصل می گردد.

قدرت هوشمند: جایگاه ایران در خاورمیانه

۱. دیپلماسی اقتصادی^۱:

استفاده از ظرفیت های اقتصادی در فضای به شدت تجاری شده جهان در قرن بیست و یکم از مهم ترین اولویت های کشورهای موفق می باشد. توسعه اقتصادی و ارائه کالا و خدمات متنوع به سایر مناطق و کشورها می تواند بهترین قدرت نرم برای کشورهای مبداء را فراهم آورد و از طریق آن می توان به گسترش نفوذ و کسب موقعیت ممتاز در جوامع دیگر بهره گرفت. در واقع کالا و خدمات صرف نظر از ماهیت مادی خود بهترین سفیران کشورها در ورای مرزها هستند. کسب چنین موقعیتی موکول به دو شرط اصلی است. اول ایجاد رشد و توسعه اقتصادی با ثبات در داخل و دوم پیوند اقتصاد با سیاست است که در قالب بهره گیری از سیاست خارجی توسعه محور در جهت گسترش همکاری های اقتصادی با سایر جوامع نمود پیدا می کند که البته لازمه آن داشتن روابط مناسب و پایدار سیاسی با دولتهای دیگر است.

^۱ Economic Diplomacy

دیپلماسی اقتصادی در نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت های اقتصاد ملی و بین المللی ظاهر می شود و نوعی فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و حتی فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهانی است. دیپلماسی اقتصادی در دستگاه سیاست خارجی ایران استفاده از توان و ظرفیت سفراء و دیپلمات های سیاسی برای ایجاد ارتباط بهتر بین بازرگانان و صنعتگران ملی با کشورهای گوناگون و کسب اطلاعات بازار، سطح دانش فنی جهت بهره برداری های متنوع فعالان اقتصادی کشور می باشد. برای مثال اگر در سطح دنیا سرمایه های سرگردانی وجود داشته باشد، ما باید بتوانیم این سرمایه ها را جذب و از آنها بهره برداری کنیم. یک سفیر به عنوان دیپلمات اقتصادی در کشور مقصد می تواند شرکت های قوی در آن کشور را تشویق و ترغیب کند تا برای سرمایه گذاری به ایران بیایند (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۹).

جمهوری اسلامی ایران در جهت بهره گیری از دیپلماسی اقتصادی با چالش های مهمی روبرو است که این وضعیت دارای ابعاد و دلایل مختلف داخلی، منطقه ای و جهانی است. از منظر داخلی عملاً رشد و توسعه اقتصادی با ثبات به منظور تولید کالا و خدمات قابل رقابت با کالاهای جهانی بوجود نیامده است. بنابراین در فضای تجارت آزاد که کیفیت تعیین کننده مزیت کالاهاست، کالاهای ایرانی از چنین مزیتی برخوردار نیستند. از منظر منطقه ای بحرانهای سیاسی و امنیتی که از سال ۲۰۱۰ میلادی خاورمیانه عربی را فرا گرفته است روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عرب منطقه را دستخوش بی ثباتی نموده است. موضع گیری ایران در حمایت از انقلابات کشورهای عربی شمال آفریقا و منطقه خلیج فارس رابطه سیاسی میان ایران با بلوکهای عربی را کاهش داد. در بعد جهانی موضوع تحریم ها توسط اتحادیه اروپا، نهادهای بین المللی نظیر شورای امنیت و ایالات متحده آمریکا، علاوه بر فشار اقتصادی، فضای روانی علیه جمهوری اسلامی ایران و در مرحله بعد روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف را تحت الشعاع خود قرار داد. کاهش نسبی سطح روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها در فاصله سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ شمسی و مواضع تند کشورهای عرب منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ میلادی تاکنون بزرگترین چالش در جهت استفاده از دیپلماسی اقتصادی ایران محسوب می گردد. تلاش دولت یازدهم از سال ۱۳۹۲ به منظور رفع تحریم ها و انعقاد قرارداد برجام با قدرتهای بزرگ جهانی مهم ترین حرکت در جهت ساماندهی به وضعیت اقتصادی داخلی و بهبود روابط سیاسی با سایر ملل صورت گرفته است.

روند بعد از برجام نشان می دهد با بهره گیری از ظرفیت های دیپلماسی در سیاست خارجی می توان از طریق ایجاد و گسترش روابط سیاسی و تعامل مناسب با کشورها و نهادهای بین المللی بستر مناسبی برای رشد فعالیت های اقتصادی و ایجاد و گسترش نفوذ در کشورهای دیگر به منظور افزایش قدرت برای خود فراهم کرد. گشایش های متعدد اقتصادی با سایر مناطق جهان و افزایش

صادرات کالا و خدمات به ویژه افزایش میزان تولید و صادرات نفت ایران در سال ۱۳۹۵ و ادامه آن در سال ۱۳۹۶ مویذ درستی همین دیدگاه است. به نظر می رسد با وجود موانع بسیار زیاد در مسیر استفاده از دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می تواند با گسترش روابط و مناسبات سیاسی با دولتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، تلاش بیشتر سفراء برای گسترش روابط اقتصادی با کشور مقیم، استفاده از ظرفیت سازمان های منطقه ای نظیر اگو، گسترش روابط اقتصادی با کشورهایی که اقتصادشان مکمل اقتصاد ایران است، کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، حرکت سریع و صحیح به سمت خصوصی سازی، استفاده از تئوری ها و نظریه های جدید اقتصادی، در راستای مزیت سازی اقتصادی و ایجاد پتانسیل های لازم جهت ارتقاء جایگاه منطقه ای خود گام بردارد.

ذخایر عظیم نفت و گاز یک عنصر مهم مزیت ساز برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران است که می توان از آن در مقابل کشورهای مصرف کننده به خوبی استفاده نمود. بهبود رشد اقتصادی جهانی موجب بهبود سطح تقاضای جهانی نفت خواهد شد و تقاضای جهانی گاز طبیعی نیز در حال افزایش است. برای استفاده بهینه از توان انرژی ایران سرمایه گذاری در این بخش می بایست شتاب بیشتری بگیرد. سیاست مداران ایران می توانند با استفاده از دیپلماسی اقتصادی فعال به ارتقاء جایگاه و منزلت سیاسی کشور در منطقه و جهان بپردازند و از این اهرم خدادی به صورت هوشمندانه استفاده نمایند به گونه ای که مبادرت به ایجاد وابستگی متقابل با کشورهای نیازمند به نفت و گاز نمایند. کشور ما می تواند از این اهرم برای تسری روابط به حوزه های گوناگون مثل حوزه های سیاسی و نظامی بهره برداری نماید. اجرای پروژه های خط لوله صلح و یا صادرات گاز به کشورهای نیازمند قطعاً در راستای ایجاد امنیت متقابل سودمند واقع خواهد شد و جایگاه منطقه ای ایران را ارتقاء خواهد داد.

۲. دیپلماسی عمومی

عصر اطلاعات، دیپلماسی کلاسیک را که مبتنی بر عرصه سیاسی واقعی و قدرت سخت بود، دچار چالش کرد و دیپلماسی نوین مبتنی بر عرصه سیاست اندیشه مند در حال شکل گیری است. دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. دیپلماسی عمومی به عنوان الگوی جایگزین در برابر دیپلماسی رسمی محسوب می شود. این فرایند می بایست از طریق حوزه های ارتباط اجتماعی، رسانه ها و فضای مجازی ایجاد شده و در نهایت، شرایط لازم را برای تهییج افکار عمومی جهت مقابله با سیاست های عمومی کشورها و نهادهای رسمی فراهم آورد (طوسی، ۱۳۸۸: ۶۲). دیپلماسی نوین ایران می بایست از طریق هنجارسازی، الگو پردازی، فرهنگ سازی، الهام بخشی، کسب شهرت و اعتبار، مشروعیت و مقبولیت در جوامع خاورمیانه و تولید، پردازش و توزیع

اطلاعات و دانش به اعمال قدرت نرم ایران بپردازند. با رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی و شبکه های مجازی دیپلماسی عمومی به مرور نقشی پر رنگ تر از دیپلماسی سنتی در تعامل بین دولت ها بازی خواهد کرد.

۳. دیپلماسی نظامی - دفاعی

دیپلماسی نظامی - دفاعی به معنای به کارگیری خشونت آمیز زور و قدرت نظامی در تعامل و تقابل کشورهای دیگر نمی باشد، بلکه آن را می توان استفاده مسالمت آمیز از توان دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران جهت هماهنگ سازی سیاست های نظامی و غیر نظامی سایر کشورهای منطقه با اهداف سیاست خارجی ایران جهت استقرار نظم و نظام امنیتی مطلوب و مناسب برای تأمین منابع ملی کشور تعریف کرد (پورا احمدی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). اعمال دیپلماسی دفاعی - نظامی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان استفاده مسالمت آمیز از توان و قدرت نظامی و دفاعی آن در زمان صلح به دو صورت دو جانبه و چند جانبه در سطح منطقه ای امکان پذیر است. در سطح دو جانبه دیپلماسی دفاعی - نظامی در قالب مذاکرات نظامی و دفاعی، برگزاری رزمایش های مشترک، مبادلات آموزشی و تخصصی نظامی - راهبردی، خرید و فروش های تسلیحاتی و تجهیزات نظامی و دفاعی، همکاری های نظامی، دفاعی و امنیتی مشترک از طریق امضای تفاهم نامه ها و موافقت نامه های دو جانبه با کشورهای منطقه خاورمیانه تجلی و تبلور می یابد. دیپلماسی دفاعی - نظامی چند جانبه ایران در خاورمیانه در چارچوب همکاری و هماهنگی، اقدامات و سیاست های مشترک نظامی به صورت زیر تحقق پذیر می باشد: همکاری برای ایجاد ترتیبات امنیتی و دفاعی منطقه ای، برقراری نظم امنیتی منطقه ای، مشارکت در عملیات صلح بانی و صلح سازی در سطح منطقه خاورمیانه، برگزاری رزمایش مشترک با کشورهای منطقه، همکاری های چند جانبه برای مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و چفت نمودن امنیت ایران به امنیت منطقه و امنیت تأمین انرژی کشورهای بزرگ. در این صورت جمهوری اسلامی ایران می تواند از این اهرم به خوبی در راستای راهبرد قدرت هوشمند خود بهره گیری کند.

۴. رفتار هوشمندانه با دیگر کشورها

در بررسی عوامل تشخیص منزلت و جایگاه یک کشور در نظام بین الملل این ایده نیز باید در نظر گرفته شود که کشور ها رفتار خود را در ارتباط با رفتار دیگر کشور ها می سنجند. در اینجا موضوع اصلی این نیست که کشورها در مورد خود یا دیگر کشورها چه می گویند بلکه این است که آنها به معنی عام چگونه رفتار می کنند و دیگران در واکنش به این رفتار چگونه رفتار و واکنش انجام می دهند؟ از این دیدگاه معیار اصلی برای آنکه یک کشور به قدرتی در سطح منطقه تبدیل شود این است که سایر قدرت ها چنین جایگاهی برایش قائل باشند.

قدرت هوشمند : تلفیق نظریه و عمل

ارتقاء جایگاه کشورها صرفاً با طرح نظریاتی نظیر قدرت نرم و یا هوشمند عملی نخواهد بود بلکه باید منابع آفرینش قدرت هم در بعد سخت و هم در بعد نرم و هوشمند آن وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر بیان صرف خواسته و هدف و طرح آن در جامعه موجب کسب قدرت و ارتقاء جایگاه یک کشور در سطوح مختلف نخواهد شد. این گفته به ویژه در مورد بکارگیری قدرت نرم اهمیت دو چندان دارد. در قدرت نرم، عنصر اجبار و تحمیل نه تنها وجود ندارد بلکه اساساً مشروعیت ندارد. قدرت نرم در صورتی برای یک کشور بوجود می آید که لوازمات آن وجود داشته باشد. عنصر مطلوبیت در ابعاد مادی و معنوی مهم ترین وجه قدرت نرم است که یک کشور باید داشته باشد تا در دیگران احساس رضایت و پذیرش و مقبولیت ایجاد نماید. در همین راستا با عنایت به پتانسیل های موجود در جمهوری اسلامی ایران لازم است برخی اقدامات عملی که می تواند ایران را در مسیر ارتقاء جایگاه و کسب قدرت بیشتر کمک نماید در ذیل مورد بررسی و پیشنهاد قرار می گیرد.

۱. کمک های انسان دوستانه :

کمک های متنوع بشردوستانه وجه انسانی داشته و پذیرش جهان شمولی دارد و بهترین اقدام عملی در جهت معرفی یک کشور به عنوان ملتی صلح دوست و خیرخواه است. کارشناسان و سیاست گذاران مسائل بین المللی، کمک های بشردوستانه و بلاعوض را یکی از ابزارهای سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی دولت ها معرفی می کنند. جمهوری اسلامی ایران می تواند با ارسال کمک های مختلف کم بهره و بلاعوض به گروه های تحت ستم و نیز کشورهای مصیبت دیده از حوادث طبیعی در راستای این مهم گام بردارد. نمونه آن کمک به مردم سیل زده پاکستان و مردم جنگ زده یمن می باشد. لذا دولت ایران می تواند از طریق این کمک ها و همچنین دخالت دادن نیروهای نظامی خود در امر کمک های بشر دوستانه و همکاری نظامی با کشورهای دیگر در مبانی صلح بانی، افزون بر بهبود روابط سیاسی با آنها و کاهش نگرانی از ظهور قدرتمند خود، چهره مطلوبی از خود در سطح منطقه به نمایش بگذارد. ایران باید در این زمینه هوشمندانه عمل نماید ظهور خود را به عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیر گذار «صلح طلب^۱» جلوه دهد.

۲. ارتقاء توانمندی دفاعی:

در قوانین حقوق بین الملل و اسناد مهم بین المللی به ویژه سند منشور سازمان ملل متحد، دفاع از خود نه تنها از حقوق اولیه دولتهاست بلکه اساساً مشروعیت داشته و در ماده ۵۱ تحت عنوان «حق ذاتی دفاع از خود» آن را به رسمیت شناخته شده است. در همین منشور در بند ۴ ماده ۲ بهره گیری از «تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی» دیگر کشورها را منع

نموده است. استفاده از هنجارهای بین‌المللی می‌تواند خود یک عامل قدرت باشد و اقدام مغایر با آن مخاطره‌انگیز است. براساس هنجارهای بین‌المللی در حوزه قدرت سخت افزایش قدرت نظامی باید در راستای دفاع از خود و عدم بکارگیری آن در روابط با سایر کشورها تعریف شود. بر همین اساس است که در منشور و یا اساسنامه هیچ‌سازمانی موضوع «استفاده از زور علیه دیگران» و یا «تهاجم نظامی» علیه دیگران گنجانده نشده است. چون محور شکل‌گیری منشور سازمان ملل استقرار صلح بعد از جنگ جهانی دوم بود. هرگاه قدرت ماهیت سخت‌افزاری داشته باشد، امکان بهره‌گیری از سایر نشانه‌ها و شاخص‌های قدرت نیز وجود خواهد داشت. در این ارتباط می‌توان بین جلوه‌هایی از قدرت هوشمند و قدرت سخت رابطه ایجاد کرد. ایجاد چنین رابطه‌ای باید بسیار هوشمندانه و در راستای هنجارهای بین‌المللی باشد. مهم‌ترین منابع قدرت سخت برای جمهوری اسلامی ایران که می‌تواند دارای ابعاد نرم و هوشمندانه هم باشد «افزایش توان دفاعی»، «ارتقاء توانمندیهای تولید سلاح و تجهیزات نظامی»، «افزایش ضریب بازدارندگی» و «نمایش قدرت و توان نظامی» است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با برگزاری رزمایش‌های مختلف علاوه بر نمایش قدرت و توان رزمی خود، پیام صلح و دوستی پایدار به جهان و ایجاد اتحاد و انسجام در منطقه به گوش جهانیان و مردم منطقه برساند. این امر باعث می‌شود فرهنگ صلح و دوستی جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته شود و از این طریق افکار عمومی جهان را به سوی فرهنگ خود جلب نماید.

۳. هنجارسازی:

انقلابها در بطن خود حاوی پیامها و هنجارهای مختلف و بعضاً متفاوتی هستند. انقلاب اسلامی ایران در کنار ویژگیهای منحصر به فرد خود می‌تواند حاوی پیامها و ارزشهای جهانشمول باشد که می‌شود از آن بهره‌گرفت. صلح دوستی، استکبارستیزی، اتکاء به خود، نفی ظلم و ستم، کمک به نیازمندان، استقرار عدالت گسترش ارزش‌های جهان‌شمول انقلاب اسلامی ایران توسط وابستگان نظامی در هر یک از کشورها. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی و بهره‌گیری از انقلابی با رسالت و پیامی جهان‌شمول، با جایگاه ژئوپلیتیک و راهبردی، با مطرح ساختن عدالت، صلح، هویت و نفی ظلم و ستم و حمایت از مظلوم در اصول سیاست خارجی خود، با تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، با رهبری بیداری اسلامی و اسلام سیاسی در جهان اسلام و کل جهان، با اسلامی‌سازی و جهانی‌سازی مبارزه با صهیونیسم به جای عربی‌سازی و منطقه‌ای و محدود سازی شرایط با تبدیل مقاومت به یک ارزش و اصل مقبول در روابط بین‌الملل، با نقش مثبت و سازنده و راهگشا در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی، با الهام بخشی بر جنبش‌های اسلامی و حمایت از آنها، رشد شاخص‌های علمی و فناوری و رشد شاخص‌های آموزشی در همه سطوح از دارندگان و صاحبان قدرت نرم تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل و معادلات قدرت منطقه‌ای

و داخلی است. بدین ترتیب تلفیقی از این قدرت نرم و سخت به تدریج می تواند انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه ای بلامنازع و یک راهبر تمدنی قدرتمند و با نفوذ و تأثیر گذار تبدیل کند و رشد و پیشرفت آن را در منطقه صلح طلبانه جلوه دهد. یکی از روش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران می تواند از آن برای ترویج و اشاعه قدرت نرم فرهنگی استفاده کند، بهره گیری از وابستگان نظامی در سفارت خانه‌های هر یک از کشورهای مختلف می باشد. این وابستگان می توانند قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سراسر جهان ترویج دهند و به گسترش ارزش های انقلاب اسلامی کمک کنند.

۴. منطقه گرایی: عامل قدرت ساز

امروزه نقش سازمان‌ها و نهادهای بین المللی در نظام بین الملل بیش از پیش گسترده تر شده است. در عصر حاضر همه کشورهای جهان به نوعی با این سازمان‌ها در ارتباط اند و اهداف خود را از طریق آنها پیش می برند. داخل شدن در سازمان‌های بین المللی و منطقه ای با این هدف صورت میگیرد که دولتها با انباشت قدرت خود در یک نهاد بزرگ تر بهتر می توانند منافع ملی خود را تأمین کنند ضمن اینکه چنین راهکاری می تواند به مشروعیت اقدامات و همین طور کاهش هزینه‌ها و پیامدهای احتمالی بیانجامد. به عبارتی دیگر وجود سازمان‌هایی مثل سازمان ملل و مجمع عمومی این سازمان باعث گردیده تا کشورها قوانینی را به تصویب برسانند و از طریق چند جانبه گرایی به حل و فصل مسائل بین المللی بپردازند. همانگونه که یکجانبه گرایی آمریکا در حمله به عراق و عدم جلب حمایت سازمان ملل باعث کاهش محبوبیت آمریکا در نظام بین الملل شد و منافع بین المللی آن را به خطر انداخت.

منطقه گرایی دارای ماهیتی اقتصادی است. کشورهای عضو یک منطقه از طریق شکل دادن به ترتیبات بازرگانی و اقتصادی می توانند همکاریهای مختلفی را ترتیب دهند. با این حال در اصول همکاریهای اقتصادی این فرض وجود دارد که گسترش همکاریهای اقتصادی می تواند به سایر حوزه‌ها و موضوعات غیر اقتصادی نیز سرایت کند. جمهوری اسلامی ایران باید از عملیات پیش‌دستانه خودداری کرده و اهداف نظامی و غیرنظامی خود را از طریق سازمان‌های بین‌المللی و توسط اتحاد و ائتلاف با دیگر قدرت‌ها پیگیری نماید. همانطور که خاطر نشان شد امروزه حل و فصل مسائلی مانند تروریسم و مواد مخدر و ... به تنهایی از عهده یک کشور خارج است و باید کشورها با همکاری یکدیگر به حل و فصل چنین مباحثی بپردازند.

ماهیت نظام بین الملل در دنیای امروز به شکلی است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می باید به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی افزایش می یابد. به عنوان نمونه حضور آمریکا

در مناطق مختلف جهان زمانی اتفاق افتاد که منافع امریکا بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک ابر قدرت در مناطق مختلف جهان گسترش یافت و به دنبال آن نیاز به شناخت ملت ها و ائتلاف با دولت های جهان در مناطق مختلف یک امر اجتناب ناپذیر شد. حضور جمهوری اسلامی ایران در مناطق مورد مناقشه خاورمیانه از یک طرف و تلاش این کشور در راستای ائتلاف سازی با کشورهای همسو در جهت حل و فصل این منازعات و ایجاد ارتباط با نهادهای بین المللی نظیر سازمان ملل در راستای استفاده از عناصر قدرت سخت و نرم و نهایتاً قدرت هوشمند است. یکجانبه گرایی و تمرکز بر توانمندیهای خود در پیشبرد اهداف منطقه ای و فرامنطقه ای راه به جایی نخواهد برد. بدین ترتیب هیچ کشور منطقه ای نمی تواند اولویت های اقتصادی و راهبردی خود را فراتر از فضای بین المللی تعریف نماید همانگونه که هیچ کشور و قدرت بین المللی قادر نخواهد بود بدون توجه به قواعد و ضرورت های مندرج در محیط منطقه ای به اهداف راهبردی خود نایل شود. تجربه نشان داده که هر قدرت در حال ظهور در جهان امروز به ناچار نگاه منطقه گرایی و حرکت به سوی اتحادها و ائتلاف ها را در سیاست خارجی خود در اولویت قرار داده است. تمرکز بر منطقه گرایی به نفع امنیت ملی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در بلند مدت است و می تواند در جایگاه این کشور در روابط بین الملل تأثیر گذار باشد. لذا حضور فعال ایران در مناطق مختلف جهان تا جایی که با اهداف اقتصادی، سیاسی - امنیتی و راهبردی ایران هماهنگ باشد به نفع یک قدرت در حال رشد مانند ایران است.

نتیجه گیری:

در قرن بیست و یکم کسب قدرت با بکارگیری زور و روشهای نظامی نه تنها کاهش پیدا کرده است بلکه تاحدود زیادی مشروعیت خود را از دست داده است در عوض به جای آن شاخص های دیگری نظیر توانمندیهای اقتصادی، پیشگامی در عرصه فناوری و دانش، توانایی های انسانی و همکاریهای منطقه ای و جهانی در قالب اتحادیه ها و ائتلاف ها اولویت بیشتری یافته و مورد اقبال عمومی واقع شده است. طرح نظریه قدرت نرم و هوشمند توسط جوزف نای و سوزان نوسل در راستای همین واقعیت انکار ناپذیر است که دولتها می توانند به جای اتکاء به منابع سنتی قدرت از سایر منابع قدرت نظیر پیشرفتهای علمی و اقتصادی جهت ارتقاء جایگاه خود بهره ببرند. به عبارتی دیگر استفاده از دو محور قدرت سخت و قدرت نرم و حالت مطلوب تر آن تلفیق قدرت سخت و نرم در قالب قدرت هوشمندانه می تواند موثرتر از نگاه تک بعدی قدرت باشد.

جمهوری اسلامی ایران پتانسیل لازم برای ایفای نقش یک کشور قدرتمند را در عرصه های اقتصادی، علمی و فن آوری، جغرافیای و نظامی حداقل در سطح منطقه ای داراست. همانند بسیاری از دولتها در عرصه سیاست بین الملل، کسب قدرت اول منطقه ای جزء اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. منابع چنین هدفی وجود دارد. موقعیت ژئوپلیتیک، منابع نفت و گاز، پیشرفت های چشمگیر در عرصه های علمی در سطح بین المللی و کسب رتبه های نخست المپیاد های جهانی و مهمتر از این ها متغیر روحیه جهانی و تمایل مردم ایران به تعامل با کشورهای جهان حایز اهمیت است. فکر و راهبرد در یک کشور طبعاً نمی تواند در حفظ تمامیت ارضی و نظام سیاسی محصور بماند و پیشرفت جایگاه یک کشور نیازمند تعامل با جهان است. بنابراین ورود به صحنه بین المللی باعث رشد و پیشرفت کشور خواهد شد. در کل مجموعه شمال آفریقا و خاورمیانه از مراکش تا پاکستان، ایران کشوری است که عناصر و بنیان های انسانی، محیطی، سرزمینی، جغرافیایی و منابع طبیعی را برای قدرتمند شدن و کسب موقعیت ممتاز منطقه ای داراست و می تواند به عنوان یک کشور صاحب نفوذ مالی، اقتصادی و در نتیجه سیاسی و فرهنگی تبدیل شود. تاکید یک جانبه بر لزوم بکارگیری قدرت نرم و یا قدرت سخت در امر سیاست گذاری خارجی و ارتقاء جایگاه ایران اگرچه می تواند زمینه رشد ایران در موارد مختلف را فراهم نماید، اما نمی تواند کافی و پایدار باشد. چرا که تلفیق این دو نوع از قدرت و همزمان توجه به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی برای بکارگیری هر کدام از آن دو بعد قدرت امری است که لازم است در سیاست خارجی و راهبردهای کلان مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به بسترها و زمینه های قدرت ملی می تواند با بهره برداری مناسب از ظرفیت ها و مقدرات ملی و توجه به محذورات داخلی و خارجی از طریق هوشمند سازی سیاست گذاری ها به قدرت برتر در منطقه تبدیل شود و به جایگاه شایسته خود دست یابد. این

مهم ممکن نیست مگر با اولویت بندی اهداف و استفاده از ابزارهای مناسب برای نائل شدن به نتایج بهتر و سیاست گذاری های بهینه در سیاست خارجی و داخلی. جمهوری اسلامی ایران باید با استفاده از قدرت هوشمند و ابزارهای موثر در فعال سازی آن مانند رسانه ها باید بتواند جامعه خود را در قالب جدیدی در دنیای خارج تعریف کند. به عبارتی دیگر ایران باید از یک روش جدید و متفاوت برای تعریف خود و کسب اعتبار و افزایش قدرت و منزلت در منطقه بهره برد و این روش و راهبرد چیزی نیست جزء استفاده از قدرت هوشمند. البته این نکته را نیز باید یاد آور شد که افزایش قدرت ممکن است با جنگ همراه شود، چرا که قدرتهای بزرگ همواره از این می ترسند که افزایش قدرت یک کشور می تواند توازن قوا را به ضرر آنها تغییر دهد لذا آنها همواره خواهان حفظ وضع موجود می باشند. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران باید بتواند افزایش قدرت خود را صلح طلبانه جلوه دهد و رشد صلح آمیز به این معناست که قدرت در حال رشد بتواند بدون خصومت عمده با قدرت های بزرگ و همسایگان جایگاهش را ارتقاء دهد.

هوشمندی در این است که جمهوری اسلامی ایران بتواند از نیروهای نظامی خود در مبانی صلح و خیر جهانی استفاده نماید و منطق حاکم بر نظام بین الملل را درک کند و تعامل با همسایگان و کشورهای فرامنطقه ای را در اولویت قرار دهد. از دشمن تراشی های بی جهت در منطقه و نظام بین الملل پرهیزد و بتواند جامعه خود را به عنوان یک جامعه پیشرفته با الگوهای اسلامی - ایرانی به جهانیان معرفی نماید. در این مسیر همچنین ائتلاف با دیگر بازیگران نظام بین الملل در حل و فصل مسائل بین المللی می تواند مفید واقع شود و از یکجانبه گرایی نیز پرهیز نماید.

منابع:

منابع فارسی:

- اردستانی، حسین (۱۳۷۳)، برخی ارزش ها و ثمرات جنگ تحمیلی، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، شماره ۷۳.
- بلیس، جان و استیو، اسمیت (۱۳۸۸)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۸)، دیپلماسی نوین؛ جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و فرصت ها، تهران: نشر نی.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات آستان قدس رضوی.
- خسروی. محمدعلی و میر اشرفی. سید نورالله (۱۳۹۳)، «قدرت نرم و جایگاه آن در امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش نامه روابط بین الملل، دوره ۷ شماره ۲۶.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۵)، دیپلماسی انرژی و امنیت ملی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شیرازی، حسن؛ مرادیان، محسن (۱۳۸۹)، «بررسی میزان تأثیر هریک از عوامل محسوس قدرت در شکل گیری قدرت نظامی»، مجله سیاست دفاعی، سال هجدهم، شماره ۷۲.
- عباس شوازی، علی (۱۳۸۷)، «رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کارویژه نیروی انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال تهم، شماره ۴.
- قلخانباغ، خلیل (۱۳۹۱)، کاربرد قدرت هوشمند آمریکا علیه ایران و راه کارهای مقابله با آن، تهران: انتشارات حنیفا.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران؛ عباس زاده، هادی (۱۳۹۰)، «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴.
- فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، درک قدرت نرم، جلد یک، تهران: پژوهشکده

مطالعات بسیج

- طوسی، محمد رضا (۱۳۸۸)، نقش دیپلماسی عمومی در جنگ نرم، **روزنامه کیهان**، شماره ۱۹۵۸۷.
- متقی، ابراهیم؛ رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نهم، شماره ۳۲.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، «دست آوردهای سه دهه تلاش»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- منصور، جهانگیر (۱۳۷۶)، **مجموعه قوانین: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر دوران.
- ناصحی، علی (۱۳۹۲)، «نگاهی به وضعیت علم و فناوری کشور (شاخص های نیروی انسانی)»، **کتابداری و اطلاع رسانی**، جلد ۹، شماره ۳.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، سیاست خارجی دولت تدبیر و امید: تغییرات و فرصت ها، **دیده بان امنیت ملی**، شماره ۸.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۱)، «راهبرد دفاع ملی؛ درس هایی از پایان جنگ تحمیلی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پانزدهم، شماره ۳.

منابع لاتین:

- Nossel, Suzanne (۲۰۰۴), "Smart Power", *Foreign Affairs*, March/April.
- Nye, Joseph S. (۲۰۱۱), *The Future of Power*, New York: Public Affair.
- Nye, Joseph S. (۲۰۰۶), "Public Diplomacy and Soft Power", *The Annals of American Academy of Political and Social Science*, No ۶۱۶.
- Wilson, Ernest J. (۲۰۰۸), Hard power, Soft Power, Smart Power, *Annals, AApss*, No ۶۱۶.

- <http://dolat.ir/nsite/fullstory/news?v=۱۰۶&Id=۲۲۳۴۲۲>
- <http://globalfirepower.com>.